**نام مقاله: منابع چاپي و الكترونيكي دانشگاههاي وزارت علوم، تحقيقات و فن آوري**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 33 \_ شماره اول، جلد 9**

**پديدآور: دكتر محمد حسين دياني، دكتر جعفر مهرداد**

**چكيده**

**در اين بررسي، وضعيت كتابخانه‌هاي دانشگاههاي وابسته به وزارت علوم، ‌تحقيقات و فناوري به لحاظ كميّت كتابها، مجلات و منابع الكترونيكي توليدي يا‌ خريداري شده و يا مواردي كه در دسترس قرار دارند، تشريح شده. بررسي نشان داده است كه آمارهاي ارائه شده براي كتابها،‌ مجلات و منابع الكترونيكي چندان مطلوب نيست. در بسياري موارد، آمارها تورمي و در برخي موارد بسيار كلي بوده است. تأكيد شده است، كار گردآوري آمارهاي مربوط به منابع هنگامي سروسامان مي يابد كه دانشگاهها با تأمين بودجه تحقيقاتي، زمينة صورت‌برداري دقيق از همه منابع را مهيا سازند و اين امكان را فراهم آوردند كه كلية منابع موجود در كتابخانه‌ها در قالب پايگاههايي اطلاعاتي كه كتابخانه‌ها توليد مي‌كنند، سازمان يابند.**

**كليدواژه‌ها: منابع چاپي، منابع الكترونيكي، دانشگاههاي وزارت علوم، تحقيقات و فناوري**

**مقـدمـه**

هيئت نظارت و ارزيابي فرهنگي و علمي وابسته به دبيرخانه ستاد انقلاب فرهنگي با تشكيل گروه ارزيابي علم و فناوري، در شهريورماه1382 فعاليت خود را در (حوزة گردآوري) اطلاعات دربارة شاخصهاي خُرد علم و فناوري آغاز كرد. گروه ارزيابي علم و فناوري شاخصهاي وابسته به اين هيئت را از كتاب «شاخصها و فرايند ارزيابي علم و فناوري در جمهوري اسلامي ايران»، ‌استخراج نمود و پرسشنامه اي كتبي در پنج مقوله انساني،‌ سازماني، ‌ساختاري، ‌عملكردي و بهره‌وري را تدوين و در ميان دانشگاهها و مؤسسه‌هاي پژوهشي توزيع كرد.

اطلاعات گردآوري شده سال 1381 در باره شاخصهاي ساختاري، ‌بخش مربوط به منابع چاپي و الكترونيكي دانشگاههاي وابسته به وزارت علوم،‌ پژوهش و فناوري با عناوين دانشگاههاي جامع و تخصصي (23 دانشگاه)‌ و دانشگاههاي درحال توسعه (23 دانشگاه) مورد بررسي و تحليل قرار گرفت. نكات اساسي اين تحليل كه مي‌تواند مورد توجه و استفاده كتابداران و برنامه‌ريزان باشد، ‌در سه بخش كتابها، ‌مجلات و منابع الكترونيكي در ذيل ارائه و مورد بررسي قرار گرفته است:

**كتابهاي كتابخانه‌ها**

در اين بخش، سه نوع آمار مورد توجه قرار گرفت: آمار كتابهاي فارسي، آمار كتابهاي غيرفارسي و ميانگين تعداد كتابهاي فارسي و لاتين موجود در هر كتابخانه.

يكي از مهم‌ترين مسائل مطرح در حوزه آمار كتابهاي كتابخانه‌ها اين است كه كتابخانه‌هاي متفاوت براي تهيه و ارائه آمار كتابهاي خود، يكي از دو شيوه زير را انتخاب مي‌كنند:

1. ارائه آمار تعداد نسخه‌هاي كتابها

2. ارائه آمار تعداد عناوين موجود در كتابخانه

مشخص است، ميان اين دو شيوه تفاوتهاي زيادي است. مثلاً فرهنگ معين را مي‌توان يك عنوان تلقي كرد يا شش جلد، كه دومي شش برابر اولي است. نيز ممكن است از كتابي بيش از يك نسخه در كتابخانه وجود داشته باشد و در بسياري از موارد، بويژه در مورد كتابهاي درسي، چنين وضعيتي حاكم است. اغلب آسان‌ترين شيوه، يعني تعداد نسخه‌ها، گزارش مي‌شود؛ زيرا با مراجعه به دفتر ثبت كتابخانه و مشاهده آخرين شماره ثبت، دسترسي به اين عدد ميسر مي‌شود.

   در اين مورد، بسته به اين كه كتابخانه بر اساس خط مشي مجموعه‌سازي خود چند نسخه از هر كتاب تهيه مي‌كند، آمارهاي يك كتابخانه‌ با كتابخانه ديگر متفاوت خواهد بود، در حالي كه ممكن است به لحاظ تعداد عناوين، تفاوت قابل توجهي ميان آنها وجود نداشته باشد.

   از اين‌رو، وقتي همه كتابهاي كتابخانه‌هاي دانشگاهي در پايگاه اطلاعات رايانه‌اي كتابهاي كتابخانه وارد نشوند، نمي‌توان به آمار قابل اعتمادي درباره كتابهاي كتابخانه‌ها دست يافت. در اين شرايط، هر آنچه اعلام مي‌شود (و معمولاً بيانگر تعداد نسخه‌هاست) صرفاً به منظور مقايسه مورد استفاده قرار مي‌گيرد.

هرچند به هنگام ارزيابي مجموعه كتابخانه‌ها، كيفيت كتابها (و نه كميّت آنها) اهميّت دارد، اما استانداردهايي براي قضاوت درباره كميّت مجموعه كتابهاي كتابخانه‌ها وجود دارد. بديهي است، استانداردها بايد با درنظر گرفتن واقعيات و جايگاه علمي هر كشور، زبان و فرهنگ و توسط سازماني واجد شرايط، تعيين شود. اين مهم كه كم و بيش در كتاب «استانداردهاي كتابخانه‌هاي دانشگاهي ايران»[[3]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn3%22%20%5Co%20%22) مورد توجه قرار گرفته است.

در اين كتاب، فرمول زير براي تعيين حداقل تعداد كتابي كه بايد در يك كتابخانه دانشگاهي وجود داشته باشد، ارائه شده است:

D 20000+M 3000+U 335+E 12+F 100+مجموعه پايه =V

در اين فرمول:

F= تعداد اعضاي هيئت علمي تمام وقت

E= تعداد كل دانشجويان تمام وقت

U= تعداد رشته‌هاي كارشناسي

M= تعداد رشته‌هاي كارشناسي ارشد

D= تعداد رشته‌ها در سطح دكترا

V= تعداد كل مجموعه كتابخانه

«مجموعه پايه» رقمي ثابت و نمايانگر حداقل مجموعه‌اي است كه بايد همزمان با گشايش هر واحد دانشگاهي، در كتابخانه آن موجود باشد. اين رقم براي رشته‌هاي مختلف به شرح زير است:

**جدول1. مجموعه پايه مندرج در استانداردهاي كتابخانه‌هاي دانشگاهي ايران**

|  |  |
| --- | --- |
| 48000 مدرك | **ادبيات و علوم انساني** |
| 40000 مدرك | **علوم اجتماعي** |
| 32000 مدرك | **علوم پايه** |
| 32000 مدرك | **فني و مهندسي** |
| 40000 مدرك | **پزشكي** |
| 18000 مدرك | **هنر** |

(در اين فرمول منظور از «مدرك»، هرگونه مواد كتابخانه‌اي، اعم از كتاب، نشريه ادواري، فيلم، مجموعه اسلايد، نوار، نوار ويدئو، نرم افزار رايانه‌اي، ديسك نوري و مانند آن است، مشروط بر اين كه به نحوي سازماندهي شده و در مجموعه كتابخانه قرار گرفته باشد.. مجموعه پايه كتابخانه‌هاي مركزي بايد بين 40 تا 80 هزار مدرك، بنا به نوع و زمينه فعاليت موضوعي، تعيين شود.)

همان‌طور كه در توضيح جدول فوق آمده است، اين اعداد شامل همه مدارك موجود در كتابخانه است، به شرطي كه سازماندهي شده باشند. اما آشكار است كه در كتابخانه‌هاي دانشگاهي ايران هنوز سازماندهي كتابها به پايان نرسيده است، چه رسد به سازماندهي ساير مدارك. به ناچار، مقايسه با استاندارد را فقط به كتابها و فقط در مقايسه با مجموعه پايه آمده در فرمول ارائه شده در بالا، محدود مي‌كنيم.

ارقام ارائه شده در ستون سوم جدول2، از مجموع كتابهاي فارسي و غير فارسي تقسيم بر تعداد دانشكده‌هاي هر دانشگاه به دست آمده است. به بياني ديگر، عدد ارائه شده در ستون سوم ميانگين تعداد كتابي است كه در هر دانشكده از دانشگاه مورد نظر وجود دارد. در اين محاسبه، كتابهاي كتابخانه مركزي به آمار كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي افزوده شده است. زيرا، در برخي از دانشگاهها، كتابخانه مركزي به مفهوم واقعي آن وجود ندارد و وجود كتاب در كتابخانه مركزي، به معناي دسترسي همه افراد دانشگاهي به اين مجموعه است.

مقايسه ميانگين كتابهاي موجود در كتابخانه‌هاي دانشكده‌هاي دانشگاههاي ايران با مقدار مجموعه پايه مندرج در فرمول بالا، موارد زير را آشكار مي‌كند.

**جدول2. ميانگين كتابها در كتابخانه‌هاي دانشگاهي**

|  |  |
| --- | --- |
| **در دانشگاههاي در حال توسعه** | **در دانشگاههاي جامع و تخصصي** |
| 5 مورد زير 18000 | 7 مورد زير 18000 |
| 8 مورد بين 20000 ـ 10000 | 5 مورد بين26000 ـ 20000 |
| 4 مورد بين 27000 ـ 23000 | 2 مورد بين 39000 ـ 33000 |
| 1 مورد 35000 | 2 مورد بين 46000 ـ 40000 |
| 1 مورد 40000 | 1 مورد 50000 |

بدين ترتيب، تنها 7 كتابخانه دانشگاهي از كتابخانه‌هاي مورد نظر (شامل 5 كتابخانه در دانشگاههاي جامع و تخصصي و 2 كتابخانه در دانشگاههاي در حال توسعه) تعداد كتابهايشان بيش از حداقل 32000 مجموعه پايه مي‌باشد. توجه شود كه در مقايسه ساير موارد، يعني تعداد اعضاي هيئت علمي، تعداد دانشجويان، تعداد رشته‌هاي كارشناسي، تعداد رشته‌هاي كارشناسي ارشد و تعداد دانشجويان دكتري و ضرايب مربوط به هر يك درنظر گرفته نشده است. بنا به موارد بالا، مجموعه‌هاي كتابخانه‌هاي دانشگاهي، چه در دانشگاههاي جامع و تخصصي و چه در دانشگاههاي در حال توسعه، به لحاظ كميّت بسيار ضعيف بوده و اين امر مي‌تواند بر كيفيّت تحقيقاتي كه منجر به توليد علم و فناوري مي‌شود، تأثير نامطلوبي داشته باشد.

نكته قابل توجه ديگر، درصد كتابهاي غيرفارسي موجود در كتابخانه‌هاي دانشگاهي است كه در تحقيقات، بسيار مورد استفاده قرار مي‌گيرند. در دانشگاههاي جامع و تخصصي 57% كتابها، كتابهاي فارسي و 42% آنها غيرفارسي است. اين اعداد براي دانشگاههاي در حال توسعه به ترتيب 75% فارسي و 24% غير فارسي است. وجود درصد بيشتر كتابهاي غير فارسي در دانشگاههاي جامع و تخصصي، مي‌تواند امتيازي مثبت تلقي شود، زيرا گروههاي آموزشي دوره‌هاي تحصيلات تكميلي موجود در آنها، به احتمال زياد به اين منابع نياز دارند. در عين حال، با فراهم شدن امكان دسترسي به منابع شبكه‌اي، مشخص نيست كه اين منابع چاپي عملاً به چه ميزان مورد نياز هستند. بويژه اگر به‌ خاطر داشته باشيم كه بخش قابل توجهي از منابع غير فارسي، بويژه منابعي كه روزآمد هستند، كتابهايي مي‌باشند كه از نمايشگاه كتاب تهران يا نمايشگاههاي تخصصي كتاب خريداري (نه انتخاب) شده‌اند. آشكار است، كه مجموعه كتابخانه بايد براساس اهداف، برنامه‌ها و نيازهاي جامعه دانشگاهي ساخته شود، اما اجبار اقتصادي تهيه كتاب از نمايشگاه كتاب سال، آزادي كتابداران را براي انتخاب محدود كرده زيرا آنها مجبورند از ميان آنچه عرضه شده است انتخاب كنند و نه آنچه واقعاً مورد نياز است و كيفيّت مناسب‌تري دارد.

اين شيوه عمل ممكن است براي آموزش دانشگاهي كه معمولاً مبتني بر كتاب خاصي است مناسب باشد، اما اين شيوه كتاب گزيني نمي‌تواند براي تحقيقات دانشگاهي كه هر مورد متفاوت از ديگري است، مناسب باشد. لذا بايد توقع داشت كه از كتابهاي غيرفارسي كمتر از هزينه‌اي كه صرف آنها شده است بهره گرفته مي‌شود، بويژه كه آموزش دانشگاهي ايران اغلب در كليه سطوح بر منابع فارسي متكي است.

با توجه به موارد بالا، آمار كتابها و مجله‌هاي موجود در كتابخانه‌هاي دانشگاههاي جامع و تخصصي در جدول 3 و همين آمار براي دانشگاههاي در حال توسعه، در جدول 4 ارائه شده است.

**مجله‌هاي فارسي جاري**

مجله‌هاي جاري آنهايي‌اند كه كتابخانه‌ها به صورت منظم و از طريق اشتراك يا اهدا تهيه مي‌كنند. آمار اعلام شده براي تعداد مجله‌هاي فارسي جاري، در جدول3 ستون چهارم براي دانشگاههاي جامع و تخصصي و در جدول 4 براي دانشگاههاي در حال توسعه ارائه شده است. آمار توصيفي هر گروه از مجله‌ها نيز در دانشگاههاي جامع و تخصصي و دانشگاههاي در حال توسعه، در جدول 5 ارائه شده است تا در صورت تمايل، هر دانشگاه بتواند با مراجعه به اين جدول، وضعيت كمّي مجله‌هاي خود را در مقايسه با آن مشخص كند.

**جدول3. موجودي كتابها و مجله‌هاي فارسي و غير فارسي در دانشگاههاي جامع و تخصصي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **نام دانشگاه** | **كتاب** | **مجله فارسي** | **مجله انگليسي** |
| **فارسي** | **غير فارسي** | **ميانگين** | **جاري** | **غيرجاري** | **جاري** | **غيرجاري** |
| دانشگاه اروميه | 95348 | 35820 | 26233 | 255 | 123 | 200 | - |
| دانشگاه اصفهان | ­ 8630 | ­ 3345 | 1710 | 278 | 1643 | 383 | 1708 |
| دانشگاه بوعلي سينا | 69755 | 28296 | 24512 | 70 | 450 | 102 | 973 |
| دانشگاه تبريز | 113470 | 124615 | 26453 | 272 | 1993 | 566 | 2070 |
| دانشگاه تربيت مدرس | 68755 | 81190 | 24990 | 468 | 1013 | 947 | 3244 |
| دانشگاه‌تربيت معلم تهران | - | - | - | \* 8 | - | 1 | - |
| دانشگاه تهران | 699946 | 590804 | 86050 | 5254 | - | 11967 | - |
| دانشگاه‌خواجه‌نصير | 9362 | 5650 | 3002 | 48 | 86 | 150 | 387 |
| دانشگاه شهيد بهشتي | 202329 | 131255 | 33358 | 360 | 1857 | 288 | 2750 |
| دانشگاه شهيد باهنر | 56106 | 34195 | 10033 | 350 | - | 1000 | - |
| دانشگاه شهيد چمران | 202713 | 123652 | 46623 | 589 | 1100 | 679 | 24 |
| دانشگاه شيراز | 113895 | 194651 | 34282 | 2213 | 1107 | 3089 | 2373 |
| دانشگاه صنعتي اصفهان | 84550 | 65067 | 11509 | 800 | 1100 | 300 | 1700 |
| دانشگاه صنعتي اميركبير | 118098 | 161792 | 23324 | 45 | 355 | 253 | 1321 |
| دانشگاه علامه طباطبايي | 153952 | 87575 | 34503 | 667 | 826 | 456 | 531 |
| دانشگاه علم و صنعت | 44973 | 84823 | 14421 | 70 | 131 | 370 | 644 |
| دانشگاه فردوسي مشهد | 348915 | 111398 | 46031 | - | - | - | - |
| دانشگاه كشاورزي و منابع طبيعي گرگان | 42208 | 6715 | 4892 | 54 | - | 111 | - |
| دانشگاه گيلان | 133755 | 51431 | 26455 | 507 | 1487 | 368 | 997 |
| دانشگاه مازندران | 75000 | 26000 | 20200 | 627 | - | 576 | - |
| دانشگاه هنر | 1934 | 3858 | 1448 | 88 | 222 | 93 | 235 |
| دانشگاه هنر اصفهان | 12876 | 6768 | - | 70 | - | 40 | - |
| دانشگاه يزد | 95315 | 57286 | 25433 | 233 | - | 152 | - |
| **جمع** | **2751885** | **2016186** |  |  |  |  |  |

\*احتمالاً فقط آمار يك سال اعلام شده و نه آمار كل كتابها.

**جدول4. موجودي كتابها و مجله‌هاي فارسي و غيرفارسي در دانشگاههاي در حال توسعه**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **نام دانشگاه** | **كتاب** | **مجله فارسي** | **مجله انگليسي** |
| **فارسي** | **غيرفارسي** | **ميانگين** | **جاري** | **غيرجاري** | **جاري** | **غيرجاري** |
| دانشگاه اراك | 57064 | 18571 | 25211 | 77 | - | 43 | - |
| دانشگاه ايلام | 37931 | 7346 | 9055 | 251 | 60 | - | - |
| دانشگاه بيرجند | 68420 | 24682 | 18620 | 197 | 120 | 204 | 222 |
| دانشگاه امام خميني | 39570 | 10200 | 9945 | 270 | 60 | 540 | 160 |
| دانشگاه‌تربيت‌معلم‌ آذربايجان | 49832 | 15587 | 13083 | 150 | 145 | 2 | 40 |
| دانشگاه تربيت معلم سبزوار | 56500 | 4000 | 20166 | 175 | 50 | - | 4 |
| دانشگاه خليج فارس | 32000 | 11000 | 10750 | 200 | 50 | 80 | 10 |
| دانشگاه دامغان | 17100 | 4200 | 5325 | 100 | 70 | 33 | 25 |
| دانشگاه رازي | 95000 | 37200 | 18885 | 250 | 300 | 2020 | 300 |
| دانشگاه زنجان | 63072 | 14825 | 19474 | 100 | 128 | 108 | 158 |
| دانشگاه سمنان | 40000 | 19000 | 8428 | 224 | 88 | 136 | - |
| دانشگاه سيستان و بلوچستان | 124600 | 52516 | 29519 | 100 | 350 | 112 | 10 |
| دانشگاه شاهرود | 50000 | 15000 | 10833 | 300 | 500 | 100 | 200 |
| دانشگاه صنعتي سهند | 14970 | 11750 | 5344 | 150 | 45 | 62 | 22 |
| دانشگاه كاشان | 128057 | 34397 | 40613 | 335 | 842 | 32 | 141 |
| دانشگاه كردستان | 48707 | 17463 | 13234 | 245 | 63 | 31 | - |
| دانشگاه لرستان | 42282 | 11722 | 10800 | 67 | 58 | 15 | 20 |
| دانشگاه محقق اردبيلي | 35926 | 5967 | 8378 | 54 | - | 2 | - |
| دانشگاه ولي عصر رفسنجان | 19664 | 10287 | 7487 | 35 | 40 | 5 | 30 |
| دانشگاه هرمزگان | 15464 | 5213 | 6892 | 60 | 50 | 65 | 20 |
| دانشگاه هنر اسلامي تبريز | 5400 | 4300 | 3233 | 24 | - | 13 | - |
| دانشگاه ياسوج | 20000 | 5000 | 8333 | - | - | - | - |
| مركز بين المللي علوم                     و تكنولوژي پيشرفته | 3200 | 8350 | 2310 | 61 | 152 | 7 | 260 |
| **جمع** | **1064759** | **348576** |  |  |  |  |  |

چنانكه در جدول 3 قابل مشاهده است، كمترين تعداد مجله‌هاي فارسي جاري (8 عنوان) مربوط به دانشگاه تربيت معلم تهران و بيشترين تعداد مجله فارسي جاري (5254 عنوان) مربوط به دانشگاه تهران است. چون آمار كل عناوين مطبوعات جاري فارسي حدود 1200 عنوان است، ارقام عنوان شده توسط دانشگاه تهران و دانشگاه شيراز نمي‌تواند واقعيت داشته باشد، مگر اينكه بپذيريم از هر كدام از مطبوعات جاري فارسي، تعدادي نسخه براي دانشگاه تهران و تعدادي نسخه براي دانشگاه شيراز خريداري مي‌شود. به عبارت ديگر، تعداد زيادي از مجله‌هاي فارسي در كتابخانه‌هاي دانشكده‌اي، عناوين يكسان هستند.

            نكته با اهميت‌تر اينكه از حدود 1200 عنوان نشريه ادواري كه در ايران منتشر مي‌شود، تقريبا يك ششم(221 عنوان)، مجله‌هاي علمي ـ پژوهشي و علمي ـ ترويجي هستند كه اغلب انتظار مي‌رود دانشگاهها خريداران اصلي آنها باشند. در اين‌صورت، هر گاه اعداد اعلام شده توسط دانشگاهها را براي مجلات فارسي جاري درست تلقي كنيم، يا اين اعداد بيانگر نسخه‌هاي تكراري است كه دانشگاه تهيه مي‌كند و يا اين اعداد شامل مجله‌هاي عامه‌پسند است كه كتابخانه‌هاي دانشگاهي نسبت به تهيه آنها اقدام مي‌كنند.

اگر مورد دوم درست باشد، احتمالاً خط مشي انتخاب مواد مناسبي براي كتابخانه‌هاي دانشگاهي وجود ندارد. هرگاه مورد اول درست باشد، فقط در مورد دانشگاههايي كه دانشكده هاي آنها به لحاظ مكاني در فاصله‌هاي دوري از يكديگر قرار دارند، ممكن است به عنوان توجيه قابل پذيرش تلقي شوند.

صرف نظر از اين كه كدام يك از دو مورد بالا درست است، يك نكته آشكار است و آن اين كه خريد نسخه‌هاي تكراري يا عناوين غير دانشگاهي بودجه بيشتري طلب مي‌كند، اما توان علمي مجموعه‌هاي دانشگاهي را افزايش نخواهد داد.

گرچه ممكن است برخي از موارد بالا براي آمار ارائه شده براي مجله‌هاي فارسي جاري در دانشگاههاي در حال توسعه نيز صادق باشد، اما نگاهي به ستون چهارم جدول 4 آشكار مي‌سازد كه آمار ارائه شده توسط دانشگاههاي در حال توسعه، همگون‌تر و احتمالاً به واقعيت نزديك‌تر است. مثلاً، بيشترين عدد اعلام شده مربوط به دانشگاه هنر اسلامي تبريز، 24 عنوان است.

داده‌هاي مندرج در جدول 5، آمار توصيفي مجله‌هاي فارسي و غير فارسي جاري و غير جاري را مشخص مي‌كند.

**جدول5. چارك اول، دوم، سوم**

**و ميانگين تعداد مجله‌هاي جاري و غير جاري فارسي و غير فارسي**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **دانشگاهها** | **چارك اول** | **ميانه**  | **چارك سوم** | **ميانگين**  |
| **دانشگاههاي جامع و تخصصي** |
| جاري فارسي | 70 | 275 | 598 | 605 |
| غير جاري فارسي | 222 | 1013 | 1478 | 898 |
| جاري غير فارسي | 140 | 334 | 601 | 1004 |
| غير جاري غير فارسي | 470 | 1159 | 2145 | 1346 |
| **دانشگاههاي در حال توسعه** |
| جاري فارسي | 65 | 150 | 246 | 165 |
| غير جاري فارسي | 50 | 70 | 152 | 166 |
| جاري غير فارسي | 13 | 52 | 111 | 180 |
| غير جاري غير فارسي | 20 | 35 | 190 | 101 |

**مجله‌هاي فارسي غير جاري**

مجله‌هاي غير جاري آنهايي‌اند كه طي سالهاي قبل توسط كتابخانه‌ها خريداري و تهيه شده‌اند اما اشتراك آنها همچنان داير بوده و يا متوقف يا تعطيل شده‌اند.

آمار ارائه شده براي اين مورد در ستون پنجم جدولهاي 3 و 4 ارائه شده است. نگاهي به آمارهاي ارائه شده در اين ستونها آشكار مي‌سازد كه دانشگاهها در ارائه اطلاعات براي اين متغير با دشواري روبرو بوده‌اند. دانشگاههاي جامع و تخصصي (دانشگاه تهران، مازندران، باهنر كرمان، يزد، هنر اصفهان، منابع طبيعي گرگان، تربيت معلم تهران و دانشگاه فردوسي) هيچ رقمي براي اين مورد ارائه نكرده‌اند. دانشگاههاي در حال توسعه (دانشگاه محقق اردبيلي، اراك، هنر اسلامي تبريز و ياسوج) نيز هيچ رقمي براي اين مورد اعلام نداشته‌اند. آمار اعلام شده براي اين مورد توسط ساير دانشگاهها (مثلاً دانشگاه رازي 2020، دانشگاه كاشان 842 ، دانشگاه تبريز 1993، دانشگاه شهيد بهشتي 1857) از وضوح كامل برخوردار نيست. در جدولهاي 6 و 7 ابتدا رتبه هر دانشگاه در پيوند با كتابهاي غير فارسي، كتابهاي فارسي، مجله‌هاي فارسي جاري و مجله‌هاي غير فارسي جاري، ارائه مي‌شود. سپس، بحث كلي درباره مجله‌هاي جاري و غير جاري فارسي با عنوان بحث كلي درباره مجلات علمي كه دشواريهاي آمار دهي مجله‌ها را مشخص مي‌كند، ارائه مي‌شود.

**جدول6. رتبه هر دانشگاه در پيوند با كل كتابها و كل مجله‌هاي موجود**

**در كتابخانه‌هاي دانشگاههاي جامع و تخصصي**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام دانشگاه** | **كتابهاي غيرفارسي** | **كتابهاي** **فارسي** | **مجله‌هاي فارسي جاري** | **مجله‌هاي غيرفارسي جاري** |
| دانشگاه اروميه | 13 | 10 | 13 | 15 |
| دانشگاه اصفهان | - | - | 11 | 9 |
| دانشگاه بوعلي سينا | 15 | 13 | 16 | 19 |
| دانشگاه تبريز | 5 | 9 | 12 | 7 |
| دانشگاه تربيت مدرس | 10 | 17 | 8 | 4 |
| دانشگاه‌تربيت معلم تهران | - | - | - | - |
| دانشگاه تهران | 1 | 1 | 1 | 1 |
| دانشگاه‌خواجه‌نصير طوسي | 19 | 20 | 18 | 17 |
| دانشگاه شهيد بهشتي | 4 | 4 | 9 | 13 |
| دانشگاه شهيد باهنر كرمان | 14 | 15 | 10 | 3 |
| دانشگاه شهيد چمران | 6 | 3 | 6 | 5 |
| دانشگاه شيراز |   | 8 | 2 | 2 |
| دانشگاه صنعتي اصفهان | 10 | 11 | 3 | 12 |
| دانشگاه صنعتي اميركبير | 3 | 7 | 19 | 14 |
| دانشگاه علامه طباطبايي | 8 | 5 | 4 | 8 |
| دانشگاه علم و صنعت | 9 | 16 | 16 | 10 |
| دانشگاه فردوسي مشهد | 7 | 2 | - | - |
| دانشگاه كشاورزي و منابع طبيعي گرگان | 18 | 18 | 17 | 18 |
| دانشگاه گيلان | 12 | 6 | 7 | 11 |
| دانشگاه مازندران | 16 | 12 | 5 | 6 |
| دانشگاه هنر | 20 | 21 | 15 | 20 |
| دانشگاه هنر اصفهان | 17 | 19 | 16 | 21 |
| دانشگاه يزد | 11 | 14 | 14 | 16 |

**جدول7. رتبه هر دانشگاه در پيوند با كل كتابها و كل مجله‌هاي موجود**

**در كتابخانه‌هاي دانشگاههاي در حال توسعه**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام دانشگاه** | **كتابهاي غيرفارسي** | **كتابهاي فارسي** | **مجله‌هاي فارسي جاري** | **مجله‌هاي غيرفارسي جاري** |
| دانشگاه اراك | 6 | 6 | 13 | 10 |
| دانشگاه ايلام | 17 | 14 | 5 | - |
| دانشگاه بيرجند | 4 | 4 | 9 | 3 |
| دانشگاه بين‌المللي امام خميني | 15 | 13 | 3 | 2 |
| دانشگاه ‌تربيت ‌معلم‌آذربايجان | 8 | 9 | 11 | 18 |
| دانشگاه تربيت معلم سبزوار | 23 | 7 | 10 | - |
| دانشگاه خليج فارس | 13 | 16 | 8 | 7 |
| دانشگاه دامغان | 22 | 19 | 12 | 11 |
| دانشگاه رازي | 2 | 3 | 5 | 1 |
| دانشگاه زنجان | 10 | 5 | 12 | 5 |
| دانشگاه سمنان | 5 | 12 | 7 | 4 |
| دانشگاه سيستان و بلوچستان | 1 | 2 | 12 | 5 |
| دانشگاه شاهرود | 9 | 8 | 2 | 6 |
| دانشگاه صنعتي سهند | 11 | 21 | 11 | 9 |
| دانشگاه كاشان | 3 | 1 | 1 | 12 |
| دانشگاه كردستان | 7 | 10 | 6 | 13 |
| دانشگاه لرستان | 12 | 11 | 14 | 14 |
| دانشگاه محقق اردبيلي | 18 | 15 | 17 | 18 |
| دانشگاه ولي عصر رفسنجان | 14 | 18 | 18 | 17 |
| دانشگاه هرمزگان | 19 | 20 | 16 | 8 |
| دانشگاه هنر اسلامي تبريز | 21 | 22 | 19 | 15 |
| دانشگاه ياسوج | 20 | 17 | - | - |
| مركز بين المللي علوم و تكنولوژي پيشرفته | 16 | 23 | 15 | 16 |

**بحث كلي درباره مجله‌هاي علمي فارسي و غير‌فارسي**

در اين مورد، چهار آمار درخواست شده بود:

تعداد مجله‌هاي فارسي (عنوانهاي جاري)

تعداد مجله‌هاي فارسي (عنوانهاي غيرجاري)

تعداد مجله‌هاي غير فارسي (عنوانهاي جاري)

تعداد مجله‌هاي غير فارسي (عنوانهاي غيرجاري)

به‌ نظر مي‌رسد ارائه چهار نوع آمار خواسته شده آسان است، اما پاسخها نشان مي‌دهند كه چنين نيست.

در ساده‌ترين مفهوم، عنوانهاي جاري بايد مجله‌هايي را شامل شود كه در سال مورد نظر براي اشتراك آنها وجه پرداخت شده است. در اختيار داشتن اين آمار براي مجله‌هاي غير فارسي كه يكجا سفارش داده مي‌شوند، از موارد ديگر ساده‌تر است. در عين حال، در اين مورد با دو ترديد روبرو هستيم. در مواردي قابل توجه، بين سالي كه وجه اشتراك پرداخت شده و سال انتشار مجله‌هاي مورد نظر، همخواني وجود ندارد، زيرا ممكن است وجه اشتراك را سال 80 پرداخت كرده باشيم، اما مجله‌ها در سال 81 وصول شوند و يا برعكس وجه مجله‌ها در سال 81 پرداخت شده باشد.

ترديد ديگر در اين است كه بسيار اتفاق افتاده وجه اشتراك مجله‌اي پرداخت شده، اما به دلايل متفاوت شماره‌هاي مربوط به كتابخانه نرسيده است. بر اين اساس، هرگاه شمارش را بر اساس تعداد حق‌ اشتراك پرداخت شد انجام دهيم، به عددي مي‌رسيم كه ممكن است از شمارش بايگاني مجله‌ها (آنهايي كه در كاردكس منعكس شده‌اند) به همان عدد نرسيم.

نكته ديگر درباره مجله‌هاي جاري غير فارسي اين است كه در سالهاي اخير تعداد قابل توجهي متن كامل مجله‌هاي الكترونيكي توسط وزارت علوم، تحقيقات و فناوري خريداري و در دسترس كتابخانه‌ها قرار گرفته است. نكته اينجاست كه مشخص نيست دسترسي به چه تعداد مجله الكترونيكي در دانشگاههاي هر يك از اين دو گروه ميسر بوده است، صرف‌نظر از اينكه عملاً از آنها استفاده شده باشد يا نه. همچنين، در طي سالهاي اخير همواره سياست روشني در زمينه خريد و دسترسي به مجله‌هاي الكترونيكي غير فارسي وجود نداشته و سهم دانشگاهها نيز نسبت به نيازها و برنامه‌هاي آموزشي و پژوهشي آنها به درستي تعيين نشده است. اين مورد، پيوسته با اعتراض اعضاي هيئت علمي همراه بوده است.

در مورد تعداد مجله‌هاي غير فارسي غير جاري با دشواريهاي بسيار بيشتري روبرو هستيم، بويژه پاسخهاي داده شده به اين پرسش بسيار متنوع، متفاوت و ناپذيرفتني است. به عنوان مثال، دانشگاه شهيد چمران تعداد مجله‌هاي غير فارسي جاري را 679 عنوان و تعداد مجله‌هاي غير فارسي غير جاري را 24 عنوان ذكر كرده است. مقايسه همين دو عدد، نادرستي پاسخ يا ابهام در پرسش را نمايان مي‌سازد. دانشگاهي كه در سال جاري مشترك 679 عنوان مجله است، نمي‌تواند تعداد عنوانهاي مجله‌هاي سال گذشته و سالهاي قبل آن 24 عنوان باشد.

واقعيت اين است كه به دلايل متفاوت، بيشتر كتابخانه‌ها اين گونه‌ اطلاعات را آماده ندارند. يكي از دلايل مهم و قابل توجه، نبود نرم‌افزار بخش مجله‌هاي ادواري در نرم‌افزارهاي جامع كتابخانه‌اي است. دليل مهم ديگر اين است كه تهيه آمار اين منابع بسيار دشوار، وقت‌گير و پرهزينه است. به عنوان مثال، فهرست موجودي مجله‌هاي لاتين دانشگاه شهيد چمران كه در سال1364 به صورت طرح تحقيقاتي تهيه شده، بالغ بر 2428 عنوان مجله را مشخص ساخت.

انتظار مي‌رود عناوين، سالها و شماره‌هاي موجود مجله‌هاي فارسي و غير فارسي هر دانشگاه در قالب طرحهايي كه در پيوند با ساخت پايگاههاي اطلاعاتي دانشگاه شكل مي‌گيرد، ضميمه سايت هر دانشگاه باشد.

در مورد خريد مجله‌هاي غير فارسي به نكته مهم ديگري نيز بايد توجه شود. بنا به شواهد مبتني بر پاداش‌دهي وزارتخانه به مقاله‌هاي چاپ شده در نشريات ISI ، اين نكته پذيرفته شده است كه صرفاً چاپ مقاله در اين نشريات مي‌تواند مشاركت محققان ايراني در دانش جهان تلقي شود. بر اين اساس، پذيرش اين نكته آشكار است كه مطالعه مقالات ISI و استناد به آنها به لحاظ كيفيت برتر از مطالعه مقاله‌ها و استناد به مجله‌هاي غير ISI است. چنانچه اين استدلال را بپذيريم، نمي‌توانيم مجله غير ISI را با مجله ISI برابر تلقي كنيم و در اشتراك آنها اين امر را ناديده بگيريم. بر اين اساس، تفكيك مجله‌هاي مورد اشتراك به مجله‌هاي ISI و غير ISI اهميت مي‌يابد.

بر اين اساس، تا فهرستهاي چاپي يا پايگاههاي اطلاعاتي مربوط به موجودي مجله‌هاي غير فارسي و نيز فارسي هر دانشگاه تهيه نشده است، پاسخهاي دريافتي براي اين پرسش ارزش اطلاعاتي چنداني نخواهد داشت. حتي در صورت دستيابي به اين اطلاعات، باز هم براي قضاوت با دشواري روبرو هستيم. چون ممكن است در سالهاي گذشته از مجله‌هاي متفاوت چند شماره، يك دوره كامل يا چند دوره كامل در مخزن وجود داشته باشد. در آن صورت، برابر دانستن ارزش هر عنوان با عنوان ديگر، منطقي نيست.

بحث ديگري كه ممكن است مطرح شود اين است كه آيا همه شماره‌ها و جلدهاي گذشته مجله‌ها همچنان از پتانسيل غني‌سازي مجموعه مجله‌هاي موجود دانشگاه در انجام تحقيقات علمي برخوردارند؟ به نظر مي رسد در برخي موضوعات بويژه در زمينة علم و فناوري، چنين نباشد.

   ارائه آمار براي مجله‌هاي فارسي نيز در مقايسه با ارائه آمار براي مجله‌هاي غير فارسي با دشواريهاي بيشتري روبروست. برخي از اين دشواريها به بي دوامي، نامنظمي و توزيع نامناسب مجله‌هاي فارسي و بخشي ديگر به بحث سطح علمي مجله‌هاي فارسي مربوط است.

بررسي روند انتشار و توقف مجله‌هاي فارسي در سالهاي 1348 تا 1363 ، نشان داد طول عمر مجله‌هاي فارسي بسيار كوتاه است. حدود 30% از مجله‌هاي فارسي در سه سال اول و بيش از 60% آنها در شش سال اول از انتشار باز مي‌مانند. تعداد عنوانهايي كه ده سال پشت سر هم منتشر مي‌شوند، بسيار ناچيز است.[[4]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn4%22%20%5Co%20%22)

فاصله انتشار شماره‌هاي بسياري از مجله‌هاي فارسي، فاقد نظم منطقي است. مثلاً گاه در طول يك سال چند شماره از يك فصلنامه، ادغام شده يا مجزا منتشر مي‌شود.
چاپ مجله‌ها به اين روش، در نشر نتايج تحقيقات و استفاده از اين نتايج براي توليد علم، مشكل مي‌آفريند.

توزيع نامناسب مجله‌هاي فارسي، بويژه در شهرستانها نيز دشواري رسيدن به مجموعه كامل را محدود مي‌كند. بنا به موارد بالا، پرداخت حق اشتراك براي مجله‌هاي فارسي را نمي‌توان اطميناني براي در اختيار داشتن همه شماره‌هاي آنها تلقي كرد.

نكته ديگر اينكه از حدود 1200 عنوان نشريه ادواري كه در ايران منتشر مي‌شود، تعداد اندكي از آنها در زمينه‌هاي علمي، قابل اعتبار و استناد تلقي مي‌شوند. بر اين اساس، هم در گزارش و هم در امتيازدهي، به تعداد عنوانهاي جاري مجله‌هاي فارسي و هم در مورد گزارش عنوانهاي غيرجاري مجله‌هاي فارسي، با دشواري روبرو هستيم.

**پايگاههاي اطلاعاتي و دسترسي به شبكه‌ها**

با رواج به‌كارگيري فناوري اطلاعات به منظور تهيه و گسترش دسترسي به منابع اطلاعاتي براي تحقيقات، كتابخانه‌هاي دانشگاهي به شيوه هاي متفاوت از فناوري اطلاعات سود برده‌اند. در اين تحقيق، پنج شيوه از ميان شيوه هاي متفاوت مورد توجه بود: پايگاههاي اطلاعاتي توليد شده، پايگاههاي اطلاعات خريداري شده، پايگاههاي اطلاعاتي قابل دسترس،‌ دسترسي به پايگاهها از طريق شبكه محلي و سرعت دسترسي به شبكه اينترنت كه در زير به هريك جداگانه پرداخته شده است.

**پايگاههاي اطلاعاتي توليد شده**

اين مورد مي‌تواند با ساخت پايگاههاي اطلاعاتي جداگانه براي كتابها، مقاله‌ها، اسناد و مدارك، پايان‌نامه ها و طرحهاي تحقيقاتي موجود در دانشگاه به واقعيت پيوسته باشد. ترديدي نيست، ساخت اين پايگاهها بايد اولين اقدام براي بهره‌وري از فناوري اطلاعات در دانشگاهها باشد، اما براي ساخت آنها به هزينه‌هاي قابل توجهي نياز است. مهم‌ترين اين هزينه‌ها، هزينه گردآوري اطلاعات دقيق درباره منابع اطلاعاتي موجود در دانشگاه است. به عنوان مثال، گردآوري اطلاعات كتاب‌شناختي مجله‌هايي كه طي چهل سال گذشته در دانشگاههاي تبريز، شيراز، اصفهان و مشهد جمع‌آوري شده است، بسيار دقيق، وقت‌گير و پرهزينه است و نمي‌توان از كاركنان كتابخانه‌ها توقع داشت همزمان با وظايف روزانه خود، به اين مورد نيز بپردازند. در برخي از دانشگاهها، پذيرفته‌اند كه اين نوع فعاليتها را در قالب طرحهاي تحقيقاتي به اجرا درآورند، موردي كه در مراكز اطلاع رساني مانند مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران، كتابخانه منطقه‌اي علوم و تكنولوژي شيراز و در مواردي، مثلاً پايان‌نامه ها و طرحهاي تحقيقاتي در كتابخانه مركزي دانشگاه فردوسي مشهد و... به اجرا درآمده است. در عين حال، مشاهده شده است كه شوراهاي پژوهشي دانشگاهها، اين نوع فعاليتها را گردآوري اطلاعات تلقي كرده و براي آنها هزينه پژوهشي نمي‌پردازند. نتيجه اين نوع عملكرد اين است كه نيازهاي اطلاعاتي نه بر پايه منابعي كه در دانشگاه موجود است، بلكه ممكن است بر اساس نسخه‌اي از اين منابع كه در مراكز داخلي يا خارجي ديگر موجود است، شكل گيرد و دانشگاه بابت اين موارد، هم به لحاظ زمان برقراري ارتباط و هم به لحاظ حجم اطلاعاتي كه دريافت مي‌كند، هزينه قابل توجهي بپردازد.

به بياني ديگر، هر دانشگاهي كه براي اين مورد (يعني توليد پايگاههاي اطلاعاتي) هزينه معقولي نپردازد، مجبور خواهد بود همواره مبالغ قابل توجهي به ساير مراكز پرداخت كند.

اطلاعات ارائه شده براي اين پژوهش نشان مي‌دهد كه جاي پايگاههاي اطلاعاتي داخلي در بسياري از دانشگاهها خالي است. اين مورد بويژه در دانشگاههاي در حال توسعه آشكارتر است. در حالي كه دانشگاههاي جامع و تخصصي اعلام داشته‌اند كه داراي 23 پايگاه اطلاعاتي توليد شده هستند، اين عدد براي دانشگاههاي در حال توسعه 9 مورد است. حداقل پيامد نبود اين پايگاهها، در اختيار نبودن اطلاعات و آمار دقيق براي تعيين معايب و محاسن و تعيين آمار دقيق براي ارزيابي درون داده‌هاي دانشگاهها در زمينه رشد علم و فناوري است.

**پايگاههاي اطلاعاتي خريداري شده**

اين مورد مي‌تواند با خريد لوح فشرده حاوي پايگاه اطلاعاتي يا با دريافت مجوز دسترسي به پايگاههاي اطلاعاتي دور دست، ميسر گردد. مثالي در اين مورد، ارتباط با پايگاههاي اطلاعاتي موجود در سايت كتابخانه منطقه‌اي علوم و فناوري است. ارتباط با اين سايت اين امكان را فراهم مي‌آورد كه مثلاً به متن كامل مقاله‌هاي فارسي منتشر شده در مجله‌هاي فارسي دست يافت. به بياني ديگر، با در اختيار داشتن مجوز استفاده از اين پايگاه، بحث "دسترسي" به مقالات فارسي جايگزين "مالكيت" مجله‌هاي فارسي مي‌شود. مي‌دانيم كه به دليل نوسانهاي بودجه كتابخانه در سالهاي متفاوت، بي‌ثباتي دردناكي بر ايجاد مجموعه‌اي از مجله‌ها كه بر اساس مالكيت ساخته مي‌شوند ـ بويژه مجله‌هاي غير فارسي‌ـ حاكم است. به بياني ديگر، آگاهي از تعداد پايگاههايي كه كتابخانه به آنها دسترسي دارد، نمي‌تواند پتانسيل دسترسي به اطلاعات براي كتابخانه را آشكار سازد. اما آگاهي از سايتهايي كه كتابخانه مجوز دسترسي به آنها را داراست، مشخص مي‌كند كه بالقوه چه حجمي از اطلاعات و با چه تنوعي در اختيار كتابخانه است. مثال قابل لمس ديگر، تهيه لوح فشرده «نمايه» (متن كامل تعداد قابل توجهي از مقاله‌هاي مجله‌هاي فارسي) است[[5]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn5%22%20%5Co%20%22).

در حالي كه دانشگاههاي جامع و تخصصي اعلام كرده‌اند كه داراي 291 پايگاه اطلاعاتي خريداري شده مي‌باشند، دانشگاههاي در حال توسعه اعلام كرده‌اند 39 پايگاه اطلاعاتي خريداري شده دارند. ترديدي نيست، پاسخهاي داده شده به اين پرسش با واقعيات موجود در دانشگاهها همخوان نيست. زيرا، غير قابل تصور است كه مثلاً در پنج دانشگاه در حال توسعه فقط يك لوح فشرده وجود داشته باشد. همين مورد درباره دانشگاه بوعلي سينا و دانشگاه خواجه نصير طوسي نيز صادق است.

**پايگاههاي اطلاعاتي قابل دسترس****[[6]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn6%22%20%5Co%20%22)**

اگرچه تعيين پايگاههاي خريداري شده، توليد شده و در دسترس از طريق شبكه محلي، با تلاشي اندك ميسر است؛ تعيين پايگاههايي كه از طريق شبكه جهاني در دسترس مي‌باشد، دشوار است. زيرا اولاً بسياري از پايگاههاي موجود در شبكه جهاني وب به صورت رايگان در دسترس همه كساني است كه تجهيزات اوليه را داشته باشند. در ثاني، آگاهي از وجود پايگاههاي اطلاعاتي مناسب هر دانشگاه در شبكه جهاني وب، به تخصص و مهارتهاي بسياري نياز دارد كه ممكن است در دانشگاهي موجود و در دانشگاه ديگر وجود نداشته باشد. اين تخصص نه تنها به لحاظ آگاهي و دستيابي به پايگاهها، بلكه به لحاظ توان ارزيابي علمي محتواي پايگاهها، با اهميت است[[7]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn7%22%20%5Co%20%22).

دانشگاههاي جامع و تخصصي از قابليت دسترسي به 154 پايگاه و دانشگاههاي در حال توسعه از امكان دسترسي به 57 پايگاه برخوردارند. گرچه به دليل نامشخص بودن محتواي سايتهايي كه در دسترس هستند، اهميت تفاوت موجود بين تعداد اعلام شده توسط دو گروه دانشگاه آشكار نيست، اما در اين مورد نيز دانشگاههاي جامع و تخصصي وضعيت مناسب‌تري دارند.

**دسترسي به پايگاهها از طريق شبكه محلي**

پايگاههايي كه از طريق شبكه محلي قابل دستيابي‌اند نيز بر غناي اطلاعاتي سازمان مي‌افزايند. اين مورد، در دانشگاههايي كه هنوز واحدهاي اطلاعاتي خود را يكپارچه نكرده‌اند و مثلاً هر دانشكده پايگاه اطلاعاتي مجزا از ساير دانشكده‌ها دارد، معنا مي‌يابد. دانشگاههاي جامع و تخصصي به 231 شبكه محلي و دانشگاههاي در حال توسعه، به 64 شبكه محلي دسترسي دارند.

در اختيار داشتن كميّت اين موارد، اطلاع قابل توجهي ارائه نمي‌كند، بلكه قابليتهاي موجود در هر يك از عناصر شبكه محلي اهميّت دارد. به عنوان مثال، دسترسي به شبكه محلي كه واحدي از آن كتابخانه مركزي دانشگاه تهران باشد، امتيازي بسيار متفاوت از دسترسي به شبكه محلي است كه كتابخانه دانشكده تربيت بدني، واحدي از آن است.

**سرعت دسترسي به شبكه اينترنت**

در دانشگاههاي جامع و تخصصي، دانشگاه هنر اصفهان با سرعت 64 كيلو بايت و دانشگاه علامه طباطبايي و دانشگاه هنر با سرعت 128 كيلو بايت، به شبكه دسترسي دارند. 9 دانشگاه با سرعتي برابر با 512 كيلو بايت و بيشتر، و 10 دانشگاه با سرعتي برابر يا بيشتر از 1 مگا‌بايت به شبكه دسترسي دارند.

8 دانشگاه در حال توسعه با سرعتي برابر با 512 كيلو بايت و بيشتر، 7 دانشگاه با سرعتي برابر 256 كيلو بايت، دانشگاه دامغان و هرمزگان با سرعتي برابر 64 كيلو بايت، دانشگاه خليج فارس با سرعتي برابر 1 و دانشگاه سمنان با سرعتي برابر8 مگابايت، به شبكه دسترسي دارند. بر اين اساس، كاربران دانشگاههاي در حال توسعه براي ارتباط با شبكه جهاني در مقايسه با دانشگاههاي جامع و تخصصي در موقعيت نامطلوبي قرار دارند، زيرا بايد هزينه مدت زمان بيشتر و احتمالاً هزينه ارتباط بيشتري بپردازند و هر يك از اين دو يا مجموع آنها، مي‌تواند تمايل به برقراري ارتباط با شبكه‌هاي اطلاعاتي براي كسب اطلاعات را كاهش دهد.

ريز داده‌هاي ارائه شده در پيوند با دسترسي به منابع الكترونيكي، در جدول 8 براي دانشگاههاي جامع و تخصصي و در جدول 9 براي دانشگاههاي در حال توسعه، ارائه شده است.

**جدول8. پايگاههاي اطلاعاتي، دسترسي به شبكه و سرعت دسترسي**

**در دانشگاههاي جامع و تخصصي**

|  |  |
| --- | --- |
| **نام دانشگاه** | **پايگاه اطلاعاتي** |
| **خريداري** | **توليد** | **قابل دسترس** | **شبكه محلي** | **سرعت دسترسي** |
| دانشگاه اروميه | 5 | - | - | 8 | 1مگابايت |
| دانشگاه اصفهان | 5 | 1 | 10 | 15 | 4 مگا بايت |
| دانشگاه بوعلي سينا | 1 | - | 2 | 2 | 512 |
| دانشگاه تبريز | 5 | - | 5 | 10 | 1 مگابايت |
| دانشگاه تربيت مدرس | 16 | - | 16 | 11 | 512 |
| دانشگاه تربيت معلم تهران | 4 | - | 4 | 10 | 512 |
| دانشگاه تهران | 60 | - | 20 | - | 8 مگا بايت |
| دانشگاه خواجه نصيرطوسي | 2 | 1 | 2 | 6 | 512 |
| دانشگاه شهيد بهشتي | 10 | - | 2 | 15 | 1مگا بايت |
| دانشگاه شهيد باهنر | 15 | - | 15 | 15 | 3مگا بايت |
| دانشگاه شهيد چمران | 5 | 4 | - | 10 | 4مگا بايت |
| دانشگاه شيراز | - | - | - | 15 | 512 |
| دانشگاه صنعتي اصفهان | 6 | 5 | 18 | 7 | 512 |
| دانشگاه صنعتي اميركبير | 42 | 10 | 7 | 24 | 512 |
| دانشگاه علامه طباطبايي | - | - | 5 | - | 128 |
| دانشگاه علم و صنعت | 13 | 3 | 16 | 70 | 5مگا بايت |
| دانشگاه فردوسي | - | - | 13 | 21 | 512 |
| دانشگاه كشاورزي و منابع طبيعي گرگان | - | - | - | - | 1مگا بايت |
| دانشگاه گيلان | - | - | 4 | 9 | 1مگا بايت |
| دانشگاه مازندران | 12 | - | 14 | 1 | 512 |
| دانشگاه هنر | - | - | 1 | - | 128 |
| دانشگاه هنر اصفهان | - | - | - | 1 | 64 |
| دانشگاه يزد | 2 | - | 2 | 6 | 1مگا بايت |
| **جمع** | **291** | **23** | **154** | **231** | - |

**جدول9. پايگاههاي اطلاعاتي، دسترسي به شبكه و سرعت دسترسي**

**در دانشگاههاي در حال توسعه**

|  |  |
| --- | --- |
| **نام دانشگاه** | **پايگاه اطلاعاتي** |
| **خريداري** | **توليد** | **قابل دسترس** | **شبكه محلي** | **سرعت دسترسي** |
| دانشگاه اراك | 1 | - | 1 | 1 | 256 |
| دانشگاه ايلام | - | - | - | 9 | 256 |
| دانشگاه بيرجند | 10 | 6 | 16 | 5 | 256 |
| دانشگاه امام خميني | 1 | - | 1 | 1 | 128 |
| دانشگاه‌تربيت‌ معلم آذربايجان | 4 | - | - | 4 | 512 |
| دانشگاه تربيت معلم سبزوار | 2 | - | 2 | 2 | 128 |
| دانشگاه خليج فارس | - | - | - | 11 | 1مگا بايت |
| دانشگاه دامغان | - | - | - | 1 | 64 |
| دانشگاه رازي | 5 | - | 10 | - | 512 |
| دانشگاه زنجان | - | 1 | 1 | 3 | 512 |
| دانشگاه سمنان | 2 | - | - | - | 8مگا بايت |
| دانشگاه سيستان و بلوچستان | 2 | - | 3 | 2 | 512 |
| دانشگاه شاهرود | - | - | 1 | - | 256 |
| دانشگاه صنعتي سهند | 2 | 1 | 15 | - | 128 |
| دانشگاه كاشان | - | - | - | - | 512 |
| دانشگاه كردستان | - | - | - | 12 | 256 |
| دانشگاه لرستان | 3 | - | 2 | 1 | 256 |
| دانشگاه محقق اردبيلي | 5 | - | 5 | 2 | 512 |
| دانشگاه رفسنجان | - | - | - | - | 256 |
| دانشگاه هرمزگان | 1 | - | - | 3 | 64 |
| دانشگاه هنر اسلامي تبريز | - | - | - | 2 | 128 |
| دانشگاه ياسوج | - | 1 | - | 5 | 512 |
| مركز بين المللي علوم و تكنولوژي پيشرفته | 1 | - | - | - | 512 |
| **جمع** | **39** | **9** | **57** | **64** | **-** |

**نتيجه‌گيري**

·تا هنگامي كه داده‌هاي مربوط به متغيرهاي ساختاري دانشگاهها به گونه‌اي دقيق سازماندهي نشده و به شكلي روز‌آمد نگهداري نشده‌اند، نمي‌توان در اين مورد به مقايسه‌اي پرداخت كه براي برنامه‌ريزيهاي آينده سودمند باشد و يا جايگاه هر دانشگاه را نسبت به دانشگاه ديگر مشخص كند.

·دستيابي به آمار دقيق مربوط به متغيرهاي ساختاري در دانشگاهها با تعريف پروژه تحقيقاتي براي گردآوري ريزترين اطلاعات، سازماندهي آنها، ورود آنها به نرم‌افزاري مناسب و روزآمد نگهداشتن داده‌ها ميسر است.

·پايگاههاي اطلاعاتي ساخته شده در دانشگاهها بسيار كمتر از ميزاني است كه پوشش دهنده انواع پايگاهها براي انواع اطلاعات موجود در دانشگاهها باشد. اطلاعاتي جامع و قابل استفاده از پايگاههاي اطلاعاتي خريداري شده در دست نيست. در اين مورد حتي، آمار ارائه شده براي تعداد پايگاههاي اطلاعاتي خريداري شده قابل اعتماد نيست، چه رسد به اطلاعاتي كه در پيوند با محتواي آنها بايد در اختيار باشد.

·داده‌هاي ارائه شده در پيوند با قابليت دسترسي به شبكه‌هاي محلي و غير محلي اطلاعات، بسيار كمتر از آن است كه در واقعيت به دليل دسترسي تقريباً همه دانشگاهها به شبكه اينترنت وجود دارد.

·در حالي كه تعداد اندكي از دانشگاهها از سرعت دسترسي بيش از يك مگابايت برخوردارند، تعداد بيشتري از آنها در سال 1381 هنوز سرعتهاي اندك داشته‌اند. شبكه اطلاعاتي 20 دانشگاه با سرعت 512 كيلو بايت و بيشتر فعال است. اين سرعتها، بويژه در ساعتهاي شلوغي خطها مي‌تواند باعث كاهش علاقه به استفاده از شبكه‌ها شود. به بيان ديگر، با استفاده همزمان صدها عضو هيئت علمي و نيز هزاران دانشجو، بويژه دانشجويان تحصيلات تكميلي، اين سرعت فوق‌العاده كاهش مي‌يابد. در اين ‌صورت، يكي از امتيازهاي استفاده از شبكه‌ها كه سرعت دسترسي است، از دست مي‌رود.

·ناهمسانيهاي بسياري در پيوند با مراكز پژوهشي و گروههاي پژوهشي در دانشگاهها قابل مشاهده است. تأثير اين ناهمسانيها بر توليدات علم و فناوري دانشگاهها نامشخص است. مناسب است تا درون داده‌ها به مراكز تحقيقاتي، گروههاي پژوهشي و قطبهاي علمي و برون داد آنها مورد بررسي قرار گيرد تا نقش هر يك از اين واحدها در توليد علم و فناوري در هر دانشگاه آشكار شود.

·2/89% از كتابهاي غير فارسي دانشگاههاي وابسته به وزارت علوم، تحقيقات و فناوري متعلق به دانشگاههاي جامع و تخصصي است. اين نسبت براي كتابهاي فارسي 72% است. چنانچه تفاوت زياد بين كتابهاي غير فارسي در دانشگاههاي جامع و تخصصي و تأثير آن بر فعاليتهاي مرتبط با رشد علم و فناوري بررسي شود مفيد خواهد بود. اين احتمال هست كه قدمت كتابهاي غير فارسي موجود در كتابخانه‌هاي دانشگاههاي جامع و تخصصي، از كيفيت تأثيرگذاري آنها بر رشد علم و فناوري كاسته باشد. به بياني ديگر، آيا يك عضو هيئت علمي در دانشگاههاي در حال توسعه مي‌تواند با بهره‌‌گيري از كتابخانه‌هاي اين گروه از دانشگاهها، كتابي يا مقاله‌اي علمي صرف استفاده از كتابهاي موجود در دانشگاههاي جامع و تخصصي، بنويسد و آيا اين امكان وجود دارد؟

·آمارهاي ارائه شده براي مجله‌هاي فارسي، غير فارسي و جاري و غيرجاري، آشكار كننده اين واقعيت است كه دانشگاههاي ايران براي نظم دهي به منابع ثروت خود در حوزه اطلاعات (مثلاً توليد انواع پايگاهها) اقدام چشمگير و قابل اعتنايي انجام نداده‌اند. اين مورد بويژه براي عنوانها، سالها و شماره‌هاي مجله‌هاي سالهاي قبل، قابل توجه است.

·آمارهاي ارائه شده براي مجله‌هاي جاري، يا بيانگر نسخه‌هاي تكراري در سطح كتابخانه‌هاي دانشگاهها و يا بيانگر نبود مبنا و خط مشي مشخص براي انتخاب و خريد آنهاست. مورد اول به لحاظ اقتصادي و مورد دوم به لحاظ كيفيّت مجموعه، بسيار با اهميت است.

·ايجاد يك نظام جامع گرد‌آوري و تحليل داده‌هاي آماري در سطح دانشگاهها در كشور مي‌تواند مناسب‌ترين ابزار براي دسترسي به آمارهاي روز‌آمد و معتبر تلقي شود. اين نظام را مي‌توان با استفاده از يك نرم‌افزار جامع به صورت يك شبكه ايجاد كرد و در هر زمان براي پي‌بردن به وضعيت علم و فناوري، انواع محاسبات آماري ( توصيفي و استنباطي) را انجام داد.

· اتمام پرسشنامه الكترونيكي و قرار گرفتن آن در سايت دبيرخانه شوراي عالي انقلاب فرهنگي در سال 1384 ـ ‌كه همه دانشگاهها و مؤسسه‌هاي پژوهشي به آن دسترسي دارند و اطلاعات آماري مربوط به سالهاي 1381 و سالهاي بعد در حال ورود به آن است‌ـ‌ گام نخست در راستاي توجه و گردآوري آمارهاي يكسان و جامع است. بويژه امكان محاسبات آماري بر روي اين پرسشنامه الكترونيكي نيز فراهم آورده شده است.

**منابع**

**هيئت نظارت و ارزيابي فرهنگي و علمي. ارزيابي علم و فناوري در جمهوري اسلامي ايران. اولين ارزيابي خُرد دانشگاهها و مؤسسات پژوهشي دولتي 1381. پژوهشگران جعفر مهراد و محمدحسين دياني. زير نظر هيئت نظارت و ارزيابي فرهنگي و علمي. تهران: شوراي عالي انقلاب فرهنگي، هيئت نظارت و ارزيابي فرهنگي و علمي، 1384.**

1. استادگروه كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد

2. استادگروه كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه شيراز

1. «استانداردهاي كتابخانه‌هاي دانشگاهي ايران»،تدوين شيرين تعاوني(خالقي)، تهران، كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران، 1380، ص18.

1. محمدحسين دياني: «روند انتشار و توقف مجله‌هاي فارسي»، مجله علوم اجتماعي و انساني دانشگاه شيراز، دوره چهارم، ش اول (1367)، ص54-39.

1. اين لوح فشرده توسط دبيرخانه هيئت امناي كتابخانه‌هاي عمومي كشور (وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي) تهيه و توزيع مي‌شود.

1. منظور پايگاهها و منابع الكترونيكي هستند كه دسترسي به آنها بدون خريد و پرداخت اشتراك، امكان‌پذير است.

2. براي اطلاعات بيشتر در اين مورد به كتاب زير مراجعه كنيد:

ـ آليسون كوك: «راهنماي يافتن اطلاعات با كيفيت از اينترنت»، ترجمه مهدي خادميان، مشهد: انتشارات كتابخانه رايانه‌اي،